

جلسات شرح و تفسیر



حجت الاسلام و المسلمین استاد
محمد جواد حاج علی اکبری



موضوع:

دعای هشتم (پناه بردن به خدا)

جلسه ۷۵

۱۳۹۵/۰۸/۲۴

■ اربعین در فرهنگ اسلامی

■ چند نکته درباره‌ی زیارت اربعین

۱. زیارت اربعین، یک زیارت منحصر به فرد
۲. زیارت‌نامه‌ی استثنایی
۳. زیارت اربعین، همایش جهانی شیعه
۴. پیاده رفتن، مختص زیارت امام حسین (علیه السلام) است
۵. هوشمندی شیعه در زیارت اربعین
۶. آثار فردی و اجتماعی زیارت اربعین
۷. برای زیارت اربعین نباید بدل‌سازی کرد
۸. یک راهکار برای کسانی که مشرف نشدند

در قرآن کریم و روایات، هم به
چهل روز و هم به چهل سال
اشاره شده است.

در مورد روز، روایت معروفی از
پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل شده
که فرمودند: «مَا أَخْلَصَ عَبْدٌ
لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا
إِلَّا جَرَتْ يَنَابِيعُ الْحِكْمَةِ مِنْ
قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ» [۱] اگر کسی
چهل روز خود را برای خدای
متعالم خالص کند - یعنی ذات،
صفات و افعالش را برای خدا
خالص سازد - خدای حکیم به
او حکمت کرامت می‌کند که
این حکمت از قلب او جوشیده و
بر زبانش جاری می‌شود.

یا وعده‌ی خدای متعال به
حضرت موسی بن عمران (علیه
السلام) در آن سیر خاص این بنده‌ی
برگزیده نیز با کلمه‌ی اربعین
بیان شده است: «وَوَاعَدْنَا مُوسَى
ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَّمْنَاهَا بِعَشْرِ
فَتَمَّ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً» [۲]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
ردالمند

اربعین در فرهنگ اسلامی

کم‌کم به ایام اربعین سید و
سالار شهیدان (علیه السلام) نزدیک
می‌شویم. ما با اغتنام فرصت،
چند نکته به مناسبت اربعین
عرض می‌کنیم؛ چراکه حال
و هوای کشور و جلسه‌ی ما
این‌گونه است و همه دل در
گروی این واقعه‌ی بزرگ دارند.
در فرهنگ قرآنی و اسلامی،
«اربعین»، یک دوره‌ی سلوک است
که به نقطه‌ی کمال می‌رسد؛
یعنی یک روز خاص نیست،
بلکه یک دوره است و از نقطه‌ای
آغاز می‌شود و قدم‌به‌قدم به
اوج می‌رسد که همان روز چهلم
است. به یک دوره‌ی رشد که
با هدف کمالی مشخص سپری
می‌شود، اربعین می‌گویند.

داشته‌ای، سپاس گوئیم». این چهل سالگی بعد از بلوغ جسمی و جنسی آمده و شخص از طرف قوا بالغ شده است و در این مرحله، بلوغ روحی و فکری و عاطفی و شخصیتی پیدا می‌کند.

اگر کسی به اینجا رسید، باید به بلوغ روحانی رسیده باشد و از جهت فکری، روحی و ایمانی به اوجش دست یافته باشد و علائم آن در همین آیه‌ی کریمه مطرح شده که عبارت است از: ارتباط دوستانه با خدای متعال، تمنای دستیابی به مقام شکر، و توبه. در کنار اینها مقام تسلیم را نیز دارد و به تعبیری مبانی فضیلت‌ها در او به کمال رسیده است.

برای بار یافتن به رتبه‌های سلوکی، معمولاً چهل به عنوان نماد دستیابی به رشد و پختگی شناخته شده است. در بین اهل سیر و سلوک می‌گویند اگر کسی

و با موسی سی شب وعده کردیم و آن را به ده شب دیگر کامل کردیم، و وعده پروردگارش چهل شب تمام شد». «أَتَمَمْنَاهَا» کلمه‌ی ظریفی است که بیان می‌دارد در آن قرار و وعده‌ی سی شب، چیزهایی بین این بنده و خدای متعال می‌گذرد که از دلدادگی و معاشقه حکایت دارد.

در دوره‌ی کمالی، عدد چهل در مورد سال نیز آمده است. در سوره‌ی مبارکه‌ی احقاف و در حکایت سیر انسان در سال‌های عمرش آمده است: «حَتَّى إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ؛ [۳] تا آنگاه که به رشد کامل خود برسد و به چهل سال برسد، می‌گوید: پروردگارا بر دلم بیفکن تا نعمتی را که به من و به پدر و مادرم ارزانی

چند نکته درباره‌ی زیارت اربعین

۱. زیارت اربعین، یک زیارت منحصربه‌فرد

کلمه‌ی اربعین غیر از آنچه گفتیم، جزء خصائص حسینه است و ظاهراً در ارتباط با اولیای خدا، نمونه‌ی دیگری نداریم و این خاص حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) است. سیدالشهدا (علیه السلام) یک‌سری ویژگی‌ها دارد که فقط برای خودشان است. خدا مرحوم آیت‌الله العظمی جعفر شوشتری را رحمت کند که کتابی باسلیقه نوشته‌اند که کار خاص و دیدنی است و معلوم است به ایشان افزوده شده است. من از ایام جوانی به این شیخ بزرگ ارادت خاص دارم و هر وقت نجف اشرف جهت زیارت مضجع مولایمان علی ابن ابیطالب (علیه السلام) مشرف می‌شوم، مقید هستم که بر سر مزار این

یک چله بر عملی مداومت کند، آن عمل در شخصیت او راسخ می‌شود و حظ آن را می‌برد. این یک امر شناخته‌شده است. مثلاً کسی چهل سحر بیدار شود و موفق به نافله‌ی شب شود، به حظ خاصی دست خواهد یافت یا اگر کسی چهل روز موفق شود بین الطلوعین بیدار باشد و مراقبت به ذکر کند، یا اگر کسی چهل روز بر تلاوت قرآن کریم مداومت داشته باشد، آثار خاصش را خواهد دید.

البته برخی می‌گویند کلمه‌ی اربعین حکایت از امتداد تا رسیدن به وضعیت استقرار دارد و ممکن است پنجاه یا شصت شود و خود چهل موضوعیت ندارد؛ بلکه طریقت دارد؛ اما اهل‌الله می‌گویند اربعین موضوعیت دارد. آنها که اهلش هستند، رعایت می‌کنند و به چیزهایی نیز می‌رسند.

که بیستم ماه صفر الخیر و صفر المظفر است، به زیارت مضجع تابناک حضرت در کربلا برویم.

این ویژگی که حضرت نقل فرمودند، با یک قطعه‌ی تاریخی هم تناسب پیدا کرده و آن اینکه چهلمین روز شهادت سیدالشهدا (علیه السلام)، گویا اولین کسی که موفق به زیارت رسمی مضجع حضرت شد، صحابی نامی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) جناب جابر بن عبدالله انصاری بود. جابر این توفیق را پیدا کرد که به اتفاق شخصی که سَمَت شاگردی و رفاقت او را دارد، اما انسان برگزیده‌ای به نام عطیه است، به زیارت در چهلمین روز شهادت نائل شود.

طبق نقل مشهور، کاروان حسینی نیز در بازگشت از شام در همین روز به زیارت مضجع تابناک حضرت مشرف و موفق شدند؛

بزرگوار هم بروم. مقبره‌ی ایشان الان در بخشی که جدیداً به حرم اضافه شده قرار گرفته و به یک ستون تبدیل شده که پایین ستون، اسم شریف ایشان نوشته شده است. شیخ شوشتری خیلی بزرگوار است و مخصوصاً در ارتباط با ساحت قدس حسینی، به معنای دقیق کلمه، یک فقیه روضه‌خوان است و به نظر می‌رسد که عطیه‌ای الهی به او داده‌اند. ایشان یک کتاب جمع‌آوری نموده و اسمش را «خصائص الحسینیه» گذاشته‌اند. یکی از خصائص حسینی، اربعین است که هیچ پیامبر و امامی نداشته است.

از امام عسکری (علیه السلام) نقل شده که مؤمن پنج ویژگی دارد که یک مورد آن، زیارت اربعین است. [۴] منظور از زیارت اربعین این است که در چهلمین روز شهادت سید و سالار شهیدان

مرحوم شهید قاضی طباطبایی در این زمینه کتابی نوشته و به شبهاتی پاسخ داده است که برخی از جمله علامه شهید مطهری مطرح کرده‌اند که چطور ممکن است آن کاروان در این زمان اندک به کربلا برسند. شهید قاضی طباطبایی که جزء شهدای محراب است، در کتاب اربعین به صورت محققانه و مدققانه به این سؤالات جواب داده و ثابت می‌کند که در همان اربعین اول، اهل بیت (علیهم السلام) به زیارت آمده‌اند و بعدها هم دیگران همین قول را پذیرفته‌اند.

۲. زیارت‌نامه‌ی استثنایی

برای زیارت سالار شهیدان در روز اربعین، یک متن زیارتی داریم که از امام صادق (علیه السلام) نقل شده و نقل دیگری نداریم. متن این زیارت، مختصر است و نسبت به سایر متون زیارتی امام

البته برخی می‌گویند در اربعین سال دیگری بوده، اما تقریباً می‌شود گفت قول مشهور این است که در اربعین اول بوده و در همان روز که جابر آنجا بوده، امام سجاد (علیه السلام) و زینب کبری (سلام الله علیها) به همراه اهل بیت وارد کربلا شده و زیارت کرده و ظاهراً اقامتی سه‌روزه نیز داشته‌اند.

پس علاوه بر خصلت مؤمن در بیان امام عسکری (علیه السلام)، یک حکایت تاریخی هم داریم که در آن، هم نام جابر و هم نام اهل بیت (علیهم السلام) آمده است. در مورد جابر مسلم است که در همان چهل‌م اول به کربلا آمده است. اما در مورد کاروان اهل بیت (علیهم السلام)، محل کلام بین کسانی است که بحث‌های تاریخی می‌کنند و ظاهراً آنچه مورد پذیرش است، همین قول است که در چهل‌م اول، کاروان اهل بیت رسیده‌اند.

عرض می‌کنم که روی همین متن زیارتی امام صادق (علیه السلام) متمرکز شوید. باید بر همین متن نورانی، مستند و محکم، به قصد برقراری ارتباط فکری و ذکرری تمرکز داشته باشیم. برخی اهل معنا، این متن نورانی را شرح داده‌اند که می‌توان در این ایام به آنها مراجعه کرد و بهره برد.

این متن کاملاً گویا است و موضوعش، عشق و محبت است و به تعبیری، یک نوع بازگشت به حادثه، مطالعه و تحلیل آن، بعد از یک چله‌ی حسینی است. شما بعد از عاشورا تا الان به اوج پختگی رسیده‌اید و حال، امام صادق (علیه السلام) یک تحلیل جامع و عمیق و متفاوت به شما تقدیم می‌کنند. اینجا مشخص می‌شود که آنچه حادثه را در آن قله ساخته و تبدیل به یک پیشران برای تاریخ بشری به سوی

حسین (علیه السلام) دارای ویژگی‌هایی است که نمی‌خواهیم وارد آن شویم و صرفاً در حد یک یادآوری بیان می‌کنیم که متن خاصی است و نسبت به سایر متون، نوعی پختگی، فشردگی، ژرفا و جامعیت دارد.

وقتی انسان این متن را می‌بیند و با خود کلمه‌ی اربعین که نمادی از سلوک عارفانه‌ی رو به رشد است و به تعبیر زیارت اربعین از امام حسن عسکری (علیه السلام) ضمیمه می‌کند، می‌بیند که مطلب، عادی نیست و از یک مبنای بسیار استوار و متفاوت در ارتباط با پدیده‌ی زیارت به عنوان یک نهاد عالی‌رتبه و ناب شیعی و اسلامی حکایت می‌کند.

من به دوستانی که به این سفر مشرف می‌شوند و از ما می‌پرسند که در سفر چه کنیم،

انسان را متوقف می‌سازد و او را برمی‌گرداند و تمام موجودی انسان را در خطر قرار می‌دهد. در روایات ما از این حالت با کلمه‌ی واژگونگی نام برده شده است.

شما وقتی به این نگاه می‌رسید، که یک چله‌ی حسینی گرفته باشید و از عاشورا در جاذبه‌ی قیام، آرمان و طلعت حسینی قرار گرفته، و تفکر و تأمل داشته، و در حضور اباعبدالله (علیه السلام) جلا خورده و زلال شده باشید.

۳. زیارت اربعین، همایش جهانی

شیعه

در کنار این متن زیارتی، خود زیارت قرار دارد. زیارت، حرکت و هجرت است به سوی آن مضجع تابناک تا در چنین روزی در کربلای معلی باشی.

فرض اصلی‌اش همین است. فرض بعدی آن است که اگر کسی به

تمدن اسلامی کرده، ماجرای عشق است. این حادثه تاریخ بشر را با سرعت متفاوتی به اوج و نقطه‌ی مطلوب می‌برد و این ماجرا ساخته‌شده‌ی عشق است.

این زیارت در سمت مقابل هم تحلیل دارد. این سؤال وجود دارد که کسانی که در برابر سالار شهیدان صف‌آرایی کرده‌اند، چه چیزی جمع کردند؟ پاسخ یک کلمه است و آن هم دنیا است. زیارت‌نامه‌ی اربعین، «عشق به حق» و «عشق به دنیا» را در تقابل و تضاد می‌داند.

در این زیارت‌نامه می‌خوانیم: «وَقَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ مَنْ غَرَّتْهُ الدُّنْيَا». حاصل فریب خوردن از دنیا دو کلمه است: جهالت و ضلالت. اگر کسی گرفتار فریب دنیا شد، گرفتار جهالت در منطقه‌ی نظر و ضلالت در منطقه‌ی عمل می‌شود. این جهالت و ضلالت،

۴. پیاده رفتن، مختص زیارت امام حسین (علیه السلام) است

پیاده رفتن، فقط درباره‌ی زیارت امام حسین (علیه السلام) و زیارت خانه‌ی خدا آمده و در مورد سایر اولیای خدا چنین چیزی وارد نشده است. من در مورد پیاده رفتن به زیارت امام رضا (علیه السلام) نیز تردید دارم و توصیه‌ای ندیدم. اخیراً برخی را دیدم که در تلاش هستند در ۲۸ صفر با پای پیاده مشرف شوند. برخی که در این باره از من پرسیده‌اند، در پاسخ گفته‌ام: آن را توصیه نمی‌کنم، اما اگر کسی رفت، چه عرض کنیم؟! نمی‌خواهیم افراد را دلسرد کنیم، اما سند، مدرک و دلیل خاصی در این باره نداریم. اینکه شخصی نذر دارد با اینکه امری بخواهد ترویج و به یک حرکت گسترده تبدیل شود، متفاوت است.

هر دلیلی موفق به تشرّف نشد، از حظّ روحانی بهره‌مند خواهد بود و هر جا که هست، حالت زیارت بگیرد و حضرت را زیارت کند و توجه و توسل داشته باشد. البته آنچه وارد شده، زیارت مضجع حضرت امام حسین (علیه السلام) است و همین است که خصلت مؤمن محسوب می‌شود.

زیارت همواره مطلوب است، اما اینکه گفتند زیارت امام حسین (علیه السلام) در روز چهارم از خصائص آن حضرت و از علائم مؤمن است، رازی دارد که در روزگار ما از آن پرده‌برداری شده است. قبلاً سرّ این موضوع را متوجه نمی‌شدند، اما در زمانه‌ی ما اصلاً نیاز به توضیح ندارد و نتیجه‌اش را که همایش جهانی اربعین است، مشاهده می‌کنیم. این اتفاق عجیب، روزگار ما را دگرگون خواهد کرد.

پیاده به زیارت بروند. اتفاقاً در زیارت سایر ائمه (علیهم السلام) انسان احساس می‌کند اولیای خدا دوست دارند زائران با خودرو و هواپیما بیایند تا در آرامش باشند. اما در مورد امام حسین (علیه السلام) برعکس است و این هم از خصائص آن حضرت محسوب می‌شود.

۵. هوشمندی شیعه در زیارت

اربعین

هوش شیعی که محصول گره خوردن به عقل محض است، این زمان و مکان و روش را با هم پیوند زده است. مکان که مشخص است و همان قبله‌ی دل‌ها، یعنی کربلا است که هیچ نظیری در عالم ندارد و روایات ما تصریح می‌کند که از کعبه بالاتر است. [۵] زمان هم تعریف شده و عبارت از اربعین است. روش هم به صورت جداگانه

فقط در مورد امام حسین (علیه السلام) و کعبه‌ی معظمه زیارت با پیاده وارد شده است. در مورد کعبه، هم روایت داریم و هم در سیره‌ی امام حسن مجتبی (علیه السلام) به صورت مکرر بیان شده است. بگذاریم این پیاده‌روی برای امام حسین (علیه السلام) بماند. ما به حضرت رضا (علیه السلام) عشق داریم، اما بهتر است که درباره‌ی پیاده‌روی زیارتش بگوییم: «لا اعلم؛ نمی‌دانم». متأسفانه کم‌کم دارد ترویج می‌شود و در خود مشهد نیز ترویج می‌شود و کم‌کم موکب درست می‌شود و...

پیاده زیارت رفتن فقط در مورد امام حسین (علیه السلام) نقل شده است. چند روایت در مورد اجر بیشتر کسی که به زحمت می‌افتد و غباری به سر و روی او می‌نشیند بیان شده، ولی توصیه‌ای نشده است که

چه می‌کند. این‌طور نیست که بگوییم پیاده مشرف شدن خوب است، بلکه سفارش کرده‌اند و معلوم می‌شود که در این سبک و روش رفتن، خبری است.

هوش شیعی این مکان و زمان و روش را با هم گره زده است و بزرگ‌ترین راهپیمایی تاریخ بشر را که یک همایش عظیم و بی‌نظیر است و هیچ شبیه و نظیری ندارد و نخواهد داشت، به وجود آورده است. بعدها خواهید دید که چه خواهد کرد!

همه‌ی کسانی که دل‌بستگی دارند، می‌گویند باید حتی یک بار هم که شده، برویم و نوعاً این‌گونه است که هرکس که یک بار رفت، در حلقه‌ی عاشقانه گرفتار می‌شود و به تعبیر آقای ما، «جاذبه‌ی مغناطیس حسینی» او را می‌رباید.

بیان شده و روش برتر، پیاده رفتن است. البته اگر کسی با وسیله هم رفت، مأجور خواهد بود، اما توصیه به پیاده رفتن شده است.

یکی از آقایان معاصر به نام آقای استهباناتی کتابی قطور با نام «نُورُ الْعَيْنِ فِي الْمَشَى إِلَى زِيَارَةِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام)»

نوشته‌اند. ما چند باری که مشرف شدیم، همین کتاب را همراه خود بردیم. در اولین سفر که می‌خواستیم اربعین مشرف شویم، در اتاق خودمان در مرکز، دقیقاً روز قبل از حرکت،

چشمم به صورت اتفاقی به این کتاب افتاد. این کتاب رفیق ما شد و چند بار که مشرف شدیم، همراه ما بود. بحث یک یا دو روایت نیست، بلکه بحث توصیه است که این قدم برداشتن‌ها و خستگی‌ها و دردها و خاک‌نشستن‌ها و آفتاب‌خوردن‌ها

راهپیمایی سال‌به‌سال توسعه پیدا کرد.

قبلاً اجازهی حمل پرچم نمی‌دادند، ولی اخیراً اجازه داده‌اند که پرچم هم بیاورند و معلوم شد که از همه‌جای دنیا شرکت می‌کنند. خوب و پسندیده است که پرچم حسینی داشته باشند، اما در کنارش نمادهای میهنی خود را نیز داشته باشند تا روشن شود که از تمام دنیا در آن شرکت می‌کنند. این بزرگ‌ترین اجتماع بشری مثل سیل است و از چهار طرف دنیا حرکت می‌کنند و می‌آیند تا در آن روز ویژه، آن اتفاق خاص رقم خورد.

این رویداد قابل توصیف و عکس‌برداری و فیلم‌برداری نیست. این کارها را باید بکنند، اما نمی‌توانند آن شور را منتقل سازند؛ زیرا اربعین، شهود و درک و حضور است. محور اصلی که

ابتدا حالت عراقی داشت و بعد ایرانی و سپس منطقه‌ای و الان حالت جهانی دارد. در دوران صدام خیلی محدود بود و بیشتر ساکنان نجف و بصره حرکت می‌کردند و به سمت کربلا می‌رفتند و آنجا مورد احترام قرار می‌گرفتند. موج حسینی که آمد و ایران را متحول ساخت و نظام پیدا کرد و مبدأ تحولات تاریخی شد. بلافاصله در قدم بعدی و بعد از صدام ملعون که طاغیه‌ی عراق بود، اربعین پیدا شد و حتی با حضور آمریکایی‌ها و ناامنی‌ها، این جمعیت آمدند و خیلی تمیز و مهربان، مسیرشان را رفتند و تبدیل به یک پدیده شد و در دنیا صدا کرد. به این ترتیب کلمه‌ی اربعین، علامت و شاخص یک رویداد، نگرش، فهم، فلسفه و ایدئولوژی شد. از سال‌های بعد، ایرانی‌ها که آماده‌ی این مسئله بودند، اضافه شدند و این

قدم‌به‌قدم بروید و در پرتوی شخصیت امام علی (علیه السلام)، مقامات حسینه را در فهرست تقاضاهای خود قرار دهید و در این نود کیلومتر، از خدای متعال بخواهید تا ان‌شاءالله برسید.

امروز ما با چنین پدیده‌ای مواجه هستیم و آن را تعبیه‌ی اولیا و ساخته‌ی هوش و فهم شیعی می‌دانیم که در پرتوی انقلاب اسلامی تجلی و ظهور کرده است.

۶. آثار فردی و اجتماعی زیارت اربعین

اتفاقاتی که آنجا می‌افتد، قابل توصیف نیست و به اعتبار فرد، یک سیر و سلوک حیرت‌انگیز است. یک سرعت تصاعدی و جهش سلوکی است و فرد می‌تواند آنچه را که می‌خواسته در یک عمر به دست آورد،

تعریف شده، نود کیلومتر از نجف تا کربلا است؛ اما به این منحصر نیست و از مسیرهای دیگر نیز حرکت می‌کنند. ما یکی دو بار از مسیرهای فرعی آمدیم و دیدیم که از آنجا نیز حرکت می‌کنند.

قبلاً بین‌الحرمین تعریفی داشت و برای حرم حضرت عباس تا حرم امام حسین (علیه السلام) وضع شده بود. اما اکنون تعریف جدیدی پیدا کرده و آن‌هم بین حرم علی ابن ابیطالب تا حرم امام حسین (علیهما السلام) است. آنها که از نجف می‌روند، گویا قراری در حرم حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) دارند و بعد حرکت می‌کنند.

رفقای جلسه هم اگر می‌خواهد مشرف شوند، همین کار را بکنند و از حرم حضرت امیر با متن سلوکی زیارت امین الله که فهرست درخواست مقامات است،

از نظر اجتماعی، همبستگی، پیوستگی، تعاطف، تعاون، تعارف و شناخت، نتیجه‌های این حرکت است. مخصوصاً اینکه فضای آنجا، فضای سیاسی است و باید آن را ذیل آرمان حسینی حفظ و تقویت کرد. «لیک یا حسین»، دقیقاً نقطه‌ی مقابل جریان تمدنی کفر، جهل، نفاق، شرک و استکبار است.

در گذشته، حتی عراقی‌ها که خیلی قمه‌زن هستند، این بحث را در اربعین نداشتند، اما اخیراً جریان شیعه‌ی انگلیسی، در اربعین نفوذ کرده که خیلی نگران‌کننده است و از جمله کارهایشان، قمه‌زنی و ایجاد بحث‌های حاشیه‌ای است. اینها حاشیه هستند و مهم نیستند. متن مهم است. ایرانی وقتی به مکه رفت، روح را به حج برگرداند. اربعین هم ممکن است یک

در یک سیر سه‌شبهانه‌روزی به دست آورد. نظیر دفاع مقدس است و برای دوستانی که جنگ را درک نکرده‌اند، جایگزین عجیبی است. البته اشخاص با هم فرق دارند و زمان جنگ هم همین‌طور بود و مقدار بهره‌مندی، به میزان اخلاص و صفای افراد بستگی دارد.

به کسانی که هر سال می‌روند، می‌گوییم: «رُزٌ غِبًّا تَزِدُّ حُبًّا» [۶] یک روز در میان زیارت کن تا موجب زیادی دوستی گردد». مواظب باشید برایتان عادت و عادی نشود. همه باید مواظب خود باشند که درصدد حفظ و بهره‌ی معنوی باشند و وقار، ذکر و فکر خود را در این سیر حفاظت کنند. البته واجب هم نیست که نود کیلومتر را پیاده بروند. اگر کسی بتواند، خوش به حال او و اگر نتوانست، هر قدر که شد، پیاده برود.

بدعت است و نباید برای آن اجتماع بزرگ، بدل‌سازی کرد. باید همه‌ی ذهن‌ها معطوف به همان حرکت بزرگ باشد و این موارد نباید به برنامه‌ی مستقلاً تبدیل شود؛ مگر اینکه بگویند چون از پیاده‌روی کربلا جا مانده‌ایم، به دنبال تشفی‌خاطر خود هستیم.

در این صورت است که زیارت اربعین یک نیروی عظیم می‌شود و همه‌ی مجامع حسینی را در سراسر عالم روح می‌دهد و تشجیع می‌کند. اقلیت‌های شیعی در دنیا در اوج محرومیت هستند، اما اینجا که می‌آیند، تبدیل به دریا می‌شوند.

امیدواریم کاسی کنارش راه نیفتد و این تعاطف همین‌طور تمیز و زلال بماند.

مدل سکولاریستی داشته باشد که بیان همین سلوک شخصی و فردی باشد؛ اما قیام و آرمان حسینی، قیام علیه کفر و ظلم و فرهنگ یزیدی بود. وقتی این حرکت با پرچم حسینی و نگرش مهدوی راه می‌افتد و معطوف به قیام است، می‌شود همان چیزی که پایه‌های ستم را می‌لرزاند. خوشبختانه الان این رویکرد وجود دارد؛ متها باید تقویت گردد و امیدواریم که سال‌به‌سال بهتر شود.

۷. برای زیارت اربعین نباید بدل‌سازی کرد

الان در همه‌ی شهرهای دارای امام‌زاده، پیاده به سمت آن امام‌زاده حرکت می‌کنند. کار خوبی است و دل‌خوش هستند که مسیری را پیاده حرکت کنند. چون از آن پیاده‌روی بزرگ جامانده‌اند، اشکالی ندارد؛ و الاً

۸. یک راهکار برای کسانی که مشرف نشدند

پیشنهاد من برای دوستانی که مشرف نمی‌شوند، این است که هر روز برای زائران اباعبدالله الحسین (علیه السلام) صدقه کنار بگذارند. علاوه بر آن، بعد از همه‌ی نمازها و در دعایتان، به خدا بگویید که هر حاجتی این زائران امام حسین (علیه السلام) دارند، مستجاب گردان و تن آنان را سالم کن و به آنان اخلاص، روحیه، نورانیت، فتوحات معنوی و گشایش مادی بده.

حاصل آن صدقه‌ی روزانه و این دعا و توسل برای سلامت زائران، وحدت روحی با آنان است. آن وقت است که می‌گویی: خدایا! مرا در دعای آنها و آنها را در دعای من سهیم گردان. امید این است که هر آنچه از ثواب و پاداش به آنها می‌دهند، به

جناب‌عالی هم ان‌شاءالله کرامت کنند؛ چراکه بساط، بساط کرامت است. اصل مسئله همین ارتباط معنوی و روحی و گفتن «يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكُمْ»؛ [۷] ای کاش همراه شما بودم» است که یک حسرت سازنده و پیش‌برنده است.

با دیدن زائران اربعین که در آن جاده‌ی عشق می‌روند، ناگهان دل تو می‌رود و همین که می‌گویی کاش من هم با آنان بودم، همین احساس، شما را می‌برد و جذب می‌کند. امید است که آثاری از آن نورانیت به شما هم داده شود. آن وقت به صورت جمعی همه‌ی زائران خطاب به اصحاب می‌گویند: «يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكُمْ»؛ ای کاش همراه شما بودم».



منابع و مأخذ

[۶]. سخاوی، المقاصد الحسنه، ج ۱، ص ۲۳۲-۲۳۳.

[۷]. مفاتیح الجنان، زیارت ششم حضرت ابی عبدالله الحسین (علیه السلام).

[۱]. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۲۴۲.

[۲]. اعراف: ۱۴۲.

[۳]. احقاف: ۱۵.

[۴]. امام حسن عسکری (علیه السلام) فرموده‌اند: «علامات مؤمن پنج چیز است: ۵۱ رکعت نماز گزاردن در هر شب و روز (۱۷ رکعت نماز واجب و ۳۴ رکعت نافله)، و زیارت اربعین، و انگشتر در دست راست کردن، و بر خاک سجده نمودن، و بلند گفتن بسم الله الرحمن الرحیم». حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۷۳.

[۵]. ر.ک: ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۲۶۷.



افق‌ها؛ درنگی بر مسئله‌تعلیم و تربیت

OfoghHa.ir © سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۴۸۵۹۵۹

۲ شنبه‌ها

بعد از نماز مغرب و عشاء

(۶ ماه دوم سال)



تهران، خیابان سرچشمه
مجتمع فرهنگی **شهدای** هفتم تیر